



## تاریخ کشیکخانه\*

دکتر اصغر دادبه

هم ندیم و همدم و همراز اوست. بدین ترتیب که شاعر روزهای یکشنبه و چهارشنبه «کشیک داشت»، یعنی موظف بود تا این دو روز در خدمت جلال الدین اکبر باشد و با او گفت و گو کند، شعر بخواند، نکته‌های نغز بگوید، به پرسشهای اکبر پاسخ بدهد و خلاصه او را سرگرم سازد تا در غربت به او بد نگذرد... در این دیدارهاست که مادح و ممدوح از گذشته‌ها (=خاطر اتشان در هند) یاد می‌کردند و از آینده سخن می‌گفتند و از آرزوی اکبر که همانا سلطان هند شدن بود و جلوس بر مسند پدر...

■ جلد نخست، یا بخش نخست کتاب تاریخ کشیکخانه حاصل این دیدارهاست و هر کشیک، یادداشت‌های شاعر است در مورد یکی از این دیدارها و در باب مسائل و مطالبی که در این دیدارها مطرح می‌شد؛ یادداشت‌هایی که در حافظه شاعر حفظ می‌شد و احياناً، و به احتمال ضعیف، در جایی، مثلاً در دفترچه‌ای ثبت و ضبط می‌گردید تا زمان تنظیم آنها فرارسد و خوشبختانه چنین هم شد...  
■ جلد دوم تاریخ کشیکخانه گزارشی است از تاریخ عمومی از آغاز تا روزگار شاعر به سبک و سیاق بسیاری از کتب تاریخ قدیم. نیر در آن از ملل و نحل بحث شده و از تاریخ صفویه...

### سبب تألیف

نجیب تاریخ کشیکخانه را به دستور یکی دیگر از ممدوحانش، یعنی وحیدالزمانی (میرزا طاهر قزوینی متخلص به وحید) وزیر او آخر عهد شاه سلیمان و اوایل عصر شاه سلطان حسین (وزارت از ۱۱۰۲ تا ۱۱۰۹ ق) با مدد گرفتن از حافظه و نیز با استفاده از یادداشت‌های خود، در زمانی کوتاه (= ۸۴ روز)، در فاصله ششم شوال سال ۱۱۰۹ ق تا محرم سال ۱۱۱۰ ق، تنظیم و تألیف می‌کند (تاریخ کشیکخانه، خطی، برگ ۷-۸). شاعر حکایت تنظیم و تألیف تاریخ کشیکخانه را در دو رباعی به نظم آورده است:

تاریخ کشیکخانه، نوشته نورالدین محمد شریف کاشانی، متخلص به نجیب و مشهور به نجیب کاشانی (۱۰۶۳-۱۱۲۳ ق) است. تاریخ کشیکخانه، یادداشت‌ها، و خاطره‌های شاعر است که در هند و ایران و در گفت و گو با سلطان جلال الدین اکبر به رشته تحریر در آمده است. سلطان جلال الدین اکبر (۱۰۶۷-۱۱۱۸ یا ۱۱۱۹ ق) به گواهی کتاب طبقات سلاطین اسلام (استانلی بویل، ترجمه عباس اقبال، ص ۲۹۹) فرزند چهارم اورنگ زیب، پادشاه مقتدر سلسله گورکانیان هند بود و از طرف مادر به صفویه انتساب داشت. شاید به همین سبب پس از آنکه بر پدر شورش می‌کند و مورد تعقیب قرار می‌گیرد سرانجام ایران را مأمن خود می‌یابد و با سپاهانش (سه هزار سپاهی) به دربار شاه سلیمان صفوی پناهنده می‌شود (۱۰۹۹ ق) و نجیب تاریخ ورود سلطان جلال الدین اکبر را به ایران، این سان به نظم می‌آورد:

نجیب از انبساط طبع خرم، گفت تاریخش

«باقبال همیون اکبر از هندوستان آمد»

۱۰۹۹ ق

سلطان جلال الدین اکبر هشت سال در اصفهان می‌ماند و به عللی - که در مقدمه دیوان و نیز در مقدمه تاریخ کشیکخانه به تفصیل توضیح داده شده است\*\* - در سال ۱۱۰۷ ق با سپاهیان خود از اصفهان خارج می‌شود و در سال ۱۱۱۹ ق در شهر توس در می‌گذرد و در صحن حضرت امام رضا (ع) مدفون می‌گردد (← داستان ترکتازان هند، ۳/ ۲۴۳؛ تشیع در هند، ترجمه خانم مشایخ فریدنی، چ مرکز نشر دانشگاهی، ص ۱۵۳).

سلطان جلال الدین اکبر بزرگترین ممدوح نجیب در هند و ایران است. شاعر در هند ملازم سلطان جلال الدین اکبر است و از پرتو این ملازمت حتی به حکومت کشمیر می‌رسد (تاریخ کشیکخانه، خطی، برگ ۲۵۷)، در مدت توقف هشت ساله سلطان در اصفهان



### رباعی اول

چون حسب الامر شه تمامش کردم  
خود را فارغ ز اهتمامش کردم  
آغاز کشیک‌ها به انجام رسید  
تاریخ کشیک‌خانه نامش کردم  
(رباعی ۵۲، دیوان تحت طبع)

### رباعی دوم

«هشتاد و چهار روز» از ایام فلک  
بی آنکه معاونت بخواهد ز کمک  
تألیف «نجیب» کرد و تاریخ نوشت  
«هشتاد و چهار روز» اما بی «حک»  
(رباعی ۴۶، دیوان تحت طبع)

### ارزشهای سه گانه کتاب

تاریخ کشیک‌خانه از سه بابت حائز اهمیت و ارزش است: تاریخ، ادب و شعر:

۱. اهمیت و ارزش تاریخی، چرا که در این کتاب، گذشته از اطلاعات عمومی و کلی تاریخی، نکته‌ها هست در تاریخ صفویه و روابط ایران و هند در آن روزگاران، چونان ماجرای پناهنده شدن سلطان جلال الدین اکبر به دربار شاه سلیمان و حضور هشت ساله وی - از ۱۰۹۹ تا ۱۱۰۷ ق - با سه هزار تن سپاهی وی که جمله از افغانان بوده‌اند - همان طایفه که صفویه را ساقط کردند - و بس نکته‌های خواندنی دیگر که بسا روشنگر تاریکیهای تاریخی اواخر عصر صفوی است.

۲. اهمیت و ارزش ادبی، چرا که نثر نجیب در این کتاب، نثری است مصنوع، آکنده از صنایع بدیعی و بیانی، چونان شعر و در عین دراز بودن جمله‌ها و به کارگیری تعبیرهای ادبی گاه دشوار، نثری

است دلنشین و از جمله نثرهای خوب دوره صفوی به شمار می‌آید...  
۳. اهمیت و ارزش شعری، و آن چنان است که بخش قابل توجهی از اشعار شاعر، که اغلب آنها در نسخه‌های دیگر مذکور و مضبوط نیست، در این کتاب مستطاب، به مناسبت‌های گوناگون ضبط و ثبت شده است، به گونه‌ای که در جریان تصحیح دیوان شاعر، این کتاب به عنوان نسخه‌ای منحصر به فرد و گرانبها مورد استفاده قرار گرفت. غالب مثنویها، بسیاری از قصیده‌ها و قطعه‌ها و بسیاری از رباعیهای شاعر تنها و تنها در این کتاب مستطاب ضبط و ثبت شده است. غزل توحیدیه، غزل شماره (۱) دیوان (دیوان تصحیح حاضر) نخست از این نسخه به دست آمد. ابیاتی از این غزل تَیْمِنًا وَ تَبَرُّکًا، در پایان نقل می‌شود تا مقاله حسن ختام یابد.

ای در کمند حکم تو مالک رقابها  
چون مهر در کشاکش زرین طنابها  
پیش ادیب حُسن تو واکرده آفتاب  
چون طفل دوره خوان ز فلک‌ها کتابها  
من خود چه ذره‌ام که کنم دعوی سجود  
جایی که روبه خاک نهند آفتابها  
لب تشنگان بادیه کنه ذات تو  
تا حشر العطش زن موج سراپها...  
در مکتبی که درس صفات تو سر کنند  
رحلی است کهکشان و فلکها کتابها...



### پی‌نوشتها:

\*. این مقاله، با استفاده از مقدمه دیوان نجیب به رشته تحریر در آمده است. دیوان نجیب کاشانی و تاریخ کشیک‌خانه به اهتمام این بنده و دوست دانشمند آقای مهدی صدری تصحیح شده، و از سوی دفتر نشر میراث مکتوب در حال طبع شدن است... (ا. دادبه)

\*\* این دو مقدمه، به همراه تعلیقات از جمله کارهای مشترک این بنده و آقای مهدی صدری است (ا. دادبه)

